

Philosophical Examination of the Fundamental Concepts of Counseling Knowledge with an Emphasis on the Opinions of Sadrul Mutalahin

Hadi Hemmatyan  *

Imam Khomeini Specialized School, Qom, Iran

Mahdi Hemmatyan 

Department of Quran and Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran

Mohsen Karimian 

Amirul Mominan University, Department of Quran and Hadith, Isfahan, Iran

Abstract

The purpose of the current research is to explain the philosophical concepts of counseling knowledge using the opinions of Sadr al-Mutalahin; Therefore, using two methods of "content analysis" and "description and analysis", some counseling and philosophy texts were examined; To explain some of the important issues of counseling philosophy. Philosophical analysis and explanation of the concepts of counseling knowledge is important and necessary in some ways; First, it is used in the field of theorizing; Second, it is necessary in the field of publishing and teaching counseling knowledge, and third, it plays an important role in the correct application of counseling knowledge for counselors. The initiative of the current research is to benefit from the opinions of the creator of the transcendental wisdom school and one of the most prominent Islamic philosophers in explaining some of the fundamental concepts of counseling knowledge. Communication is the first basic concept in the knowledge of counseling, which from Sadra's point of view is the result and effect of a dynamic reality called "self"; He explains the process of communication in six stations and deals with the quality of influence and influence of the soul. Choice is the second basic concept in counseling knowledge and as the last step of the will process. Sadra proposes four stages in the process of will: knowledge, enthusiasm, decision and desire to realize and move the limbs

* Corresponding Author: hadavi5@yahoo.com


How to Cite: Hemmatyan, H., Hemmatyan, M., Karimian, M. (2023). Philosophical Examination of the Fundamental Concepts of Counseling Knowledge with an Emphasis on the Opinions of Sadrul Mutalahin, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 15(57), 173-206.


and organs; The third basic concept in counseling knowledge is behavior change; According to Sadra, the most important factor in changing behavior is changing faith (belief system) and the most important factor in changing faith is creating basic knowledge and understanding in a person, and the most important factor in creating knowledge in a person is performing and repeating appropriate behaviors.


Keywords: Counseling Philosophy, Basic Concepts of Counseling, Communication, Choice, Change.



بررسی فلسفی مفاهیم بنیادین دانش مشاوره با تأکید بر نظرات صدرالمতألهین

هادی همیتیان *  استاد حوزه، مدرسه امام خمینی (ره)، تخصصی مشاوره خانواده و ازدواج، قم، ایران

مهدی همیتیان  استاد جامعه‌المصطفی‌العالمیه، دانشکده قرآن و علوم، دانشگاه المصطفی، قم، ایران

محسن کریمیان  کارشناس ارشد قرآن و حدیث، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع)، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین فلسفی مفاهیم بنیادین دانش مشاوره با استفاده از نظرات صدرالمتألهین است؛ از این رو با استفاده از دو روش «تحلیل محتوا» و «توصیف و تحلیل»، برخی متون مشاوره و فلسفه بررسی شد؛ تا بخشی از مسائل مهم فلسفه مشاوره تبیین شود. تجزیه و تحلیل و تبیین فلسفی مفاهیم دانش مشاوره از جهاتی مهم و ضروری است؛ نخست در حوزه نظریه‌پردازی کاربرد دارد؛ دوم در حوزه نشر و تعلیم دانش مشاوره موردنیاز است و سوم نقش مهمی در به‌کارگیری درست دانش مشاوره برای مشاوران ایفا می‌کند. ابتکار پژوهش حاضر بهره‌مندی از نظرات پدیدآور مکتب حکمت متعالیه و یکی از بارزترین فیلسوفان اسلامی در تبیین برخی از مفاهیم بنیادین دانش مشاوره است. ارتباط، نخستین مفهوم اساسی در دانش مشاوره است که از منظر صدرا نتیجه و اثر حقیقتی پویا به نام «نفس» است؛ ایشان فرایند ارتباط را در ضمن شش ایستگاه تبیین می‌کند و به کیفیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نفس می‌پردازد. انتخاب دومین مفهوم اساسی در دانش مشاوره و به‌عنوان آخرین مرحله از فرایند اراده است. صدرا در فرایند اراده، چهار مرحله مطرح می‌کند: شناخت، شوق، تصمیم و میل به تحقق و حرکت اعضا و جوارح؛ سومین مفهوم اساسی در دانش مشاوره، تغییر رفتار است؛ در نظر صدرا مهم‌ترین عامل تغییر رفتار، تغییر ایمان (نظام باورها) و مهم‌ترین عامل تغییر ایمان، ایجاد شناخت‌ها و دانش‌های اساسی در فرد و مهم‌ترین عامل ایجاد شناخت در فرد، انجام و تکرار رفتارهای متناسب است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه مضاف، فلسفه مشاوره، مفاهیم بنیادین مشاوره، ارتباط، انتخاب، تغییر، صدرالمتألهین.

مقدمه

فلسفه مشاوره دانشی است که در آن به روش عقلی و با نگاهی از بیرون، به معنا، چیستی و چرایی مسائل دانش مشاوره به‌طور کلی توجه می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۹۹). فلسفه مشاوره به‌طور منطقی بر دانش مشاوره مقدم است؛ ابتدا لازم است شناخت کافی درباره فلسفه مشاوره پیدا شود تا با کمک آن معلوم شود که دقیقاً چه چیزی در دانش مشاوره لازم است بررسی شود و چگونه باید به حل مسائل آن دانش پرداخته شود. در فلسفه‌های مضاف عموماً دو نوع بحث مطرح می‌شود: نخست، توضیح مفاهیم اساسی علمی که مضاف‌الیه قرار گرفته‌اند و دوم، بررسی مبانی موردنیاز برای حل مسائل آن علوم (مصباح، ۱۳۹۹).

از حیطه‌های اصلی فلسفه مشاوره، اصطلاح‌شناسی مفاهیم اصلی دانش مشاوره با رویکردی عقلی است. بازشناسی مفاهیم اصلی دانش مشاوره به‌منظور شناخت دقیق، فهم چیستی و مرزهای دلالتی، درک ربط و نسبت آن‌ها با اصطلاحات دیگر و موارد کاربرد آن مفاهیم (اعتصامی و شفیع‌آبادی، ۲۰۲۲) در آن دانش است (دینانی، خسروپناه و امامی، ۱۳۹۹). بدون شناخت مفاهیم اصلی دانش مشاوره نمی‌توان به حل مسائل و گزاره‌های آن دانش پرداخت (سالاری فر و پور اعتماد، ۲۰۱۱)؛ ازاین‌رو تبیین مفاهیم اصلی دانش مشاوره نقش مهمی در تعالی و رشد آن دانش ایفا می‌کند.

تجزیه و تحلیل فلسفی و تبیین ماهیت پدیده‌های روان‌شناختی در دانش مشاوره نقش مهمی در خروجی دانش مشاوره دارد؛ در صورتی که مفاهیم اصلی به‌دقت تحلیل شوند و زوایا و ابعاد مختلف آن‌ها که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرند مورد توجه قرار گیرند در چند عرصه شاهد رشد و پیشرفت خواهیم بود؛ نخست در حوزه نظریه‌پردازی است (حسینی و حسینی، ۱۴۰۱)؛ تبیین مفاهیم اصلی و مفاهیم وابسته به آن و ادراک کلی و جامع نسبت به حوزه معنایی موردنظر نقش کلیدی در ارائه یک نظریه صحیح در دانش مشاوره دارد؛ دوم در حوزه نشر دانش و تعلیم آن، تأثیر بسزایی دارد (خسروپناه، ۱۳۸۵)؛ اصطلاحات علمی تا خوب تعریف و تبیین نشوند از مقبولیت علمی برخوردار نمی‌شوند؛ ازاین‌رو لازم است در نظام علمی مورد توجه قرار گیرند؛ سوم در حوزه کاربرد و استفاده درست در

جای مناسب است که شناخت دقیق و تبیین مفاهیم اصلی دانش مشاوره ضروری است. بر اساس بررسی صورت گرفته نوشته علمی تاکنون در موضوع فلسفه مشاوره و به‌طور خاص مفهوم‌شناسی مفاهیم بنیادین دانش مشاوره با نگاهی فلسفی اسلامی یافت نشد؛ اما پژوهش‌هایی در مورد فلسفه مشاوره دیده می‌شود که از نگاه فلسفه غرب به دانش مشاوره پرداخته‌اند (آرباکل^۱، ۱۹۶۰؛ بوشوف^۲، ۲۰۲۰؛ گزدا^۳، ۱۹۸۶؛ هنسن^۴، ۲۰۰۶؛ کایر^۵، ۲۰۲۲؛ لوبونت^۶، ۲۰۲۱؛ سرگر^۷، ۲۰۲۰)؛ همچنین نوشته‌هایی در مورد فلسفه روان‌شناسی وجود دارد که زمینه پژوهش حاضر محسوب می‌شوند. در نوشته‌هایی از باقری (۱۳۹۸)، آذربایجانی (۱۳۹۹) و بونزه^۸ (بونزه، ۲۰۱۹) دانش روان‌شناسی با نگاهی فلسفی مورد نظر قرار گرفته و الگوی قابل قبولی در فلسفه‌های مضاف و بررسی فلسفی یک دانش ارائه شده است؛ بر این اساس پژوهش حاضر با توجه به فرایند علمی که تاکنون در دانش‌های نزدیک صورت گرفته به فلسفه مشاوره و به‌طور خاص بررسی مفاهیم اصلی دانش مشاوره می‌پردازد.

ابتکار پژوهش حاضر تبیین حوزه مفهومی واژگان بنیادین دانش مشاوره با نگاهی عقلی و با توجه به نظرات صدرالمتألهین به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی است؛ از این رو در این نوشتار سعی می‌شود نخست مفاهیم اصلی دانش مشاوره با توجه به متون اصلی مورد استفاده در جامعه علمی دانش مشاوره به روش تحلیل محتوا به دست آیند؛ سپس مهم‌ترین آن‌ها از منظر صدرالمتألهین مورد بررسی فلسفی قرار گیرند تا در ضمن این فرایند سؤال اصلی - چستی مفاهیم بنیادین دانش مشاوره با نگاهی عقلی از منظر صدرالمتألهین - پاسخ داده شود.

-
1. Arbuckle, D.
 2. Boshoff, A.
 3. Gazda, G.
 4. Hansen, J.T.
 5. Kair, L.
 6. Lobont, F.
 7. Siregar, A.
 8. Bunge, M.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که از دو روش «تحلیل محتوا» و «توصیف و تحلیل» متون استفاده می‌کند. تحلیل محتوا روشی کیفی به‌منظور طبقه‌بندی واژه‌های موجود در متن برای توصیف منظم و عینی محتوا به کار می‌رود (کریپندورف^۱، ۲۰۰۴). پالیت^۲ و بک^۳ ارزش تحلیل محتوا را در فرایند سازمان‌دهی داده‌های کیفی معرفی می‌کنند؛ به‌طوری که مفاهیم جدیدی به دست آید (پالیت^۴ و بک^۵، ۲۰۰۴). از دیدگاه وبر^۶ تحلیل محتوا روشی قابل تکرار و نظام‌مند است که به دنبال فشرده کردن تعدادی از واژه‌های یک متن به گروه‌ها و طبقه‌های کوچک‌تر بر اساس قواعد مشخص است و در ادامه کدگذاری طبقه‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها برای رسیدن به درک جدید و بینشی نو. چارچوب روش تحلیل محتوا چنین است که پژوهشگر متون مشخصی را با توجه به سؤال پژوهشی که در جستجوی آن از متن است، مورد مطالعه قرار داده و به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد (کریپندورف، ۲۰۰۴).

در پژوهش حاضر در گام اول، موضوع پژوهش - بررسی فلسفی مفاهیم اصلی دانش مشاوره - تعیین شد؛ در گام دوم اهداف پژوهش که بررسی فلسفی مفاهیم اصلی دانش مشاوره از دیدگاه فیلسوفان اسلامی بود، مشخص شد؛ در گام سوم نخست مهم‌ترین مفاهیم دانش مشاوره از متون اصلی مشاوره که در دهه‌های اخیر در مجامع دانشگاهی مورد توجه است، استخراج شد؛ سپس با رویکردی فلسفی و با روش تحلیل عقلی با توجه به نظرات صدرالمتألهین به تجزیه و تحلیل برخی از مفاهیم دانش مشاوره پرداخته شد.

-
1. Krippendorff, klaus.
 2. Polit, D. F.
 3. Beck, C. T.
 4. Polit, D.
 5. Beck, C.
 6. Weber, R. P.

یافته‌ها

مفاهیم اساسی مشاوره در منابع مشاوره

با جستجو و بررسی مکتب‌های مختلف در دانش مشاوره و به روش تحلیل محتوا می‌توان مفاهیم بنیادین مشترک این دانش را که در مکتب‌های مشاوره و روان‌درمانی وجود دارند، پیدا کرد. در ادامه مروری گذرا در مهم‌ترین مکتب‌های دانش مشاوره برای یافتن مهم‌ترین مفاهیم مشترک در دانش مشاوره خواهیم داشت. در این مرور به بررسی تعریف، اهداف، ابعاد، مراحل، فنون، سنجش و اجرای مکتب‌های متداول مشاوره پرداخته می‌شود؛ تا در ضمن بررسی مفاهیم مشترک بنیادین دانش مشاوره دانسته شود.

مشاوره بر اساس رویکرد روان تحلیل‌گری فرایندی یاورانه به‌منظور کاهش تنش^۱ و رفع تعارضات درونی^۲ است که بر افزایش بینش^۳ به‌صورت «تداعی آزاد»^۴ و «بی‌پرده گویی»^۵ متکی است. مشاور در این رویکرد مراجع را ضعیف، ناتوان و نیازمند کمک می‌بیند و در جهت تسهیل بازسازی شخصیت و هدایت او از طریق حل تعارض‌های درونی تلاش می‌کند (گیسون^۶، ۲۰۰۷).

در این رویکرد مشاور، چهار مرحله را طی می‌کند: نخست با استفاده از تداعی آزاد درباره گذشته مراجع اطلاعات مهمی به دست می‌آورد؛ در مرحله دوم مشاور رابطه‌ای مبتنی بر انتقال^۷ را با مراجع آغاز می‌کند؛ به‌طوری‌که مراجع افکار و احساساتی را با افراد مهم زندگی خود داشته را به مشاور منتقل می‌کند؛ در مرحله سوم مشاور به‌طور مکرر و متنوع^۸ به بررسی احساسات و افکار مراجع می‌پردازد و مراجع را به ابراز اندیشه‌های نامطلوب، دشوار یا گیج‌کننده‌اش تشویق می‌کند و به‌تناسب به تعبیر و تفسیر آن‌ها

1. reduction of tension.
2. Internal conflicts.
3. Insight.
4. Open to experience.
5. Free association.
6. Gibson, R.
7. Transference Relationship.
8. Working Through.

می‌پردازد و در مرحله پایانی مشاور به حل و فصل انتقال پرداخته و برای حل مقاومت مراجع در پایان یافتن مشاوره و تجربه زندگی مستقل بعد از مشاوره تلاش می‌کند. نتیجه مشاوره بر اساس روان‌کاوی تمرکز مراجع بر ناخودآگاه خود و در نهایت اینکه بتواند به صورت واقع‌بینانه با انتظارات خود و جامعه روبرو شود (گلادینگ^۱، ۲۰۱۵)؛ بنابراین مهم‌ترین مفاهیم مشاوره در مکتب روان‌تحلیلی عبارت‌اند از: ارتباط یاورانه، رفع تنش و تعارض درونی، افزایش بینش و آگاهی، تغییر شخصیت، انتقال و استفاده از فنون.

در مشاوره آدلری^۲ مشاور به عنوان متخصص، معلم و الگوی عملی برای مراجع رفتار می‌کند که رابطه آن دو بر پایه صمیمیت، برابری، حمایت و همدلی و به صورت یک تلاش همکارانه و فعال است. مشاوره ابزاری است که طی آن مشاور و مراجع برای کمک به مراجع در دست یافتن به خودآگاهی، رفتار و نگرش‌های بهتر و در یک کلام «سبک زندگی» سالم‌تر باهم، کار می‌کنند (فیست^۳، ۱۳۹۴؛ گلادینگ، ۲۰۱۵).

در این رویکرد فرض بر این است که مراجع در یک یا چند زمینه از تکالیف زندگی^۴؛ همچون کار^۵، دوستی^۶ و عشق^۷ احساس ناراحتی و ناهماهنگی می‌کند. روند مشاوره آدلری مستلزم چهار مرحله است: الف) ایجاد رابطه؛ ب) تشخیص؛ ج) شناخت / تعبیر و تفسیر؛ د) باز جهت‌گیری^۸. در مرحله تشخیص مشاور به ارزیابی سبک زندگی^۹ مراجع می‌پردازد و در مرحله تعبیر و تفسیر به بحث در مورد باورها، اهداف و رفتارهای مراجع پرداخته و به دنبال بینشی جدید نسبت به عواقب آن‌ها در زندگی مراجع است. در مرحله باز جهت‌گیری بعد از آنکه بینش جدیدی از مسئله برای مراجع ایجاد شده، مشاور

-
1. Gladding, Samuel T.
 2. Adlerian Consulting (Individual Psychology).
 3. Feist, J.
 4. Life Tasks.
 5. Work.
 6. Friendship.
 7. Love.
 8. Reorientation.
 9. Life style.

برای تغییر در سبک زندگی با استفاده از فنونی همچون به چالش کشیدن^۱ و تشویق و ترغیب برای اخذ تصمیمات سازنده^۲ در زندگی، به مراجع کمک می‌کند (فیست، ۱۳۹۴؛ گیسون، ۲۰۰۷)؛ بنابراین مهم‌ترین مفاهیم در این رویکرد عبارت‌اند از: آموزش و افزایش بینش، ارتباط یاورانه و صمیمی، حمایت، همدلی، تلاش دوطرفه و فعال، تغییر در شناخت، احساس و رفتار، سبک زندگی و کمک به تصمیم‌گیری.

در مشاوره با رویکرد مراجع‌محوری^۳ مشاور با ایجاد رابطه عمیق عاطفی^۴ و فراهم کردن فضای مناسب سعی در این دارد که مراجع، خود را بپذیرد و نسبت به نقاط مثبت و توانایی‌های خویش آگاهی بیشتری پیدا کند و در جهت خودشکوفایی و بارور کردن بیشتر خود حرکت نماید. در این راستا مشاور سعی می‌کند حضور کاملی در رابطه با مراجع داشته و در اختیار مراجع باشد. او فضایی را ایجاد می‌کند که مراجع در آن آزاد است و مشاور برای مراجع مسیر مشخص نمی‌کند (فیست، ۱۳۹۴).

در ضمن این فضای باز، مشاور سعی می‌کند به ارزیابی تجربه‌ها و مبنای داوری درونی^۵ مراجع و میزان خودشکوفایی او آگاه شود. مشاور می‌کوشد که نسبت به خود^۶ مراجعش و جهان ماسوای وی درک بیشتری پیدا کند و بر دنیای پدیداری^۷ مراجع تمرکز کند. مشاور با خلوص، صمیمیت و پذیرش بدون قید و شرط می‌تواند با مراجع ارتباط بگیرد (گلادینگ، ۲۰۱۵)؛ بنابراین مهم‌ترین مفاهیم این رویکرد عبارت‌اند از: ارتباط عمیق عاطفی، پذیرش بدون قید و شرط، افزایش عزت‌نفس، خودآگاهی، خودشکوفایی، تجربه‌های درونی و خود^۸.

در مشاوره با رویکرد رفتارگرا مشاور بر رفتارهای مراجع تمرکز می‌کند و می‌خواهد

-
1. Confrontation.
 2. Encouragement.
 3. client centered counseling. non directive psychotherapy
 4. Congruence.
 5. Internal frame Of reference.
 6. Self.
 7. Phenomenal world.
 8. Self.

به مراجع کمک کند تا رفتارهای جدید و مناسبی را فرا بگیرد و رفتارهای ناسازگارانه خویش را تغییر دهد. مشاور در این رویکرد بر فرایندهای رفتاری، اینجا و اکنون رفتار، نقش یادگیری بر تغییر رفتار و نقش تعیین اهداف رفتاری متمرکز است. مشاور به‌عنوان معلم، ناصح، تقویت‌کننده و تسهیل‌کننده وارد عرصه مشاوره می‌شود و سعی می‌کند طی فرایندی رفتارهای جدیدی را به مراجع یاد داده و در عوض به مراجع کمک کند تا رفتارهای قبلی را از یاد ببرد.^۱ مشاور با استفاده از تقویت‌کننده‌ها، تعمیم^۲، شکل‌دهی^۳ و نگهداری^۴ به تغییر رفتار ناسازگار می‌پردازد (شیلینگ^۵، ۱۳۹۰).

مشاوران رفتارگرا بیشتر در سه حوزه یادگیری فرایند تصمیم‌گیری، تغییر رفتارهای ناسازگار و پیشگیری از مشکلات، تلاش می‌کنند. مشاور رفتارگرا غالباً در فرایند مشاوره شش مرحله را طی می‌کند؛ نخست تبیین و تعریف عملیاتی رفتاری که لازم است تغییر کند؛ دوم سطح عامل یا خط پایه رفتاری که لازم است تغییر کند، مشخص شود؛ سوم فراهم نمودن شرایط یادگیری؛ چهارم تعیین تقویت‌کننده‌ها؛ پنجم اجرای فنون و تکنیک‌هایی برای تقویت رفتار موردنظر؛ ششم ثبت فرایند تغییر (گیسون، ۲۰۰۷)؛ بنابراین مهم‌ترین مفاهیم این رویکرد تغییر رفتار، آموزش، یادگیری و کمک به تصمیم‌گیری است.

در مشاوره با رویکرد گشتالتی مشاور بر ادراک «کلیت»^۶ تأکید دارد. مشاور گشتالتی به مراجع برای ایجاد «یکپارچگی خود»^۷ و آموختن نحوه استفاده از انرژی خود برای رشد، کمال و خودشکوفایی کمک می‌کند و به دنبال پدید آوردن فضایی است که مراجع را به کندوکاو و اکتشاف در الزامات رشد و پرورش خود دلگرم کند. مشاور چنین فضایی را با صادق بودن و ایجاد حس تعهد برای مراجع پدید می‌آورد. در این رویکرد مشاور بر

1. Unlearning.
2. Generalization.
3. Shaping.
4. Maintenance.
5. Shilling, L
6. Holism.
7. Getting it all together.

زمان حال، یعنی «اینجا و اکنون»^۱ تمرکز می‌کند و می‌خواهد مراجع را به یکپارچگی و انسجام کل وجود در ابعاد رفتاری، احساسی، فکری و نگرشی برساند تا به صورت یک کل نظام‌مند عمل کند و برای یافتن این انسجام لازم است مسئولیت خویش را بپذیرد (پروچسکا^۲، ۱۹۹۹؛ گیسون، ۲۰۰۷).

مشاور گشتالتی می‌خواهد خودآگاهی را در مراجع افزایش دهد و او را در مستقل شدن از دیگران کمک کند. به مراجع کمک می‌کند تا روی انرژی مسدودکننده^۳ تمرکز داشته باشد و از آن انرژی به صورت سازگارانه استفاده کند و الگوهای زندگی خود را بشناسد. مشاور گشتالتی بر اهمیت «اقدام و عمل» تأکید دارد و از مراجع می‌خواهد که احساسات و رفتارهای مختلفی را تجربه کنند (گلا دینگ، ۲۰۱۵)؛ بنابراین مهم‌ترین مفاهیم این رویکرد یکپارچگی خود، رشد، کمال، خودشکوفایی، خودآگاهی، ارتباط متعهدانه، مسئولیت‌پذیری و تغییر رفتار است.

در مشاوره با رویکرد شناختی رفتاری مشاور همچون معلمی است که با برقراری رابطه مطلوب و متعهدانه به دقت به سخنان مراجع گوش می‌دهد تا افکار غیرمنطقی وی را پیدا کند و باورهای غلط را به چالش^۴ بکشد و پس از تصحیح آن‌ها افکار صحیح را به مراجع آموزش^۵ دهد. مشاور می‌خواهد به مراجع یاد بدهد که چگونگی آناتومی هیجانی و شناختی خود را بشناسد و به رابطه مثلث گونه افکار، احساسات و رفتارها پی ببرد و بداند که انواع مشکلات عاطفی و رفتاری نتیجه الگوهای تفکر غیرمنطقی است. افرادی که دچار مشکلات عاطفی و رفتاری اند از نظام باوری برخوردارند که باعث خودگویی‌های منفی و ناسازگار و مبتنی بر منطق خطا هستند.

مشاور شناختی رفتاری طی مراحل به همراه مراجع تلاش می‌کند مسئله را حل کند؛ نخست مفهوم شناخت را برای مراجع توضیح می‌دهد و اقسام آن را از جهت سطح

1. Here and Now
2. Prochaska, J.
3. Blocking energy.
4. Disputing.
5. Teaching.

مشخص می‌کند؛ افکار عادی، افکار خودآیند و روان‌بنه‌ها؛ سپس با استفاده از فونونی همچون نقش بازی کردن، جرئت‌آموزی، حساسیت‌زدایی به تعدیل و تغییر آن‌ها می‌پردازد. هدف مشاور شناختی رفتاری کاهش یا حذف رفتارهای غیرمنطقی به وسیله تغییر خطاهای شناختی است (گیسون، ۲۰۰۷)؛ بنابراین مهم‌ترین مفاهیم این رویکرد، رابطه متعهدانه، توجه غیر مشروط، تصحیح افکار غیرمنطقی و تغییر رفتار است.

جدول ۱: مهم‌ترین مفاهیم دانش مشاوره بر اساس بررسی رویکردهای مختلف

رویکردهای مشاوره						
ردیف	۱. مشاوره روان تحلیلی	۲. مشاوره آدلری (فردی)	۳. مشاوره مراجع‌محور	۴. مشاوره رفتارگرایی	۵. مشاوره گشتالتی	۶. مشاوره شناختی رفتاری
۱	ارتباط یاورانه	ارتباط یاورانه و صمیمی	ارتباط عمیق عاطفی	ارتباط متعهدانه	ارتباط متعهدانه	ارتباط متعهدانه
۲	افزایش بینش و آگاهی	آموزش و افزایش بینش	خودآگاهی	آموزش	خودآگاهی	توجه غیر مشروط
۳	رفع تنش و تعارض درونی	حمایت	افزایش عزت‌نفس	یادگیری	کمال	تصحیح افکار غیرمنطقی
۴	تغییر شخصیت	تغییر در شناخت، احساس و رفتار	پذیرش بدون قید و شرط	تغییر رفتار	تغییر رفتار	تغییر رفتار
۵	انتقال	تلاش دوطرفه و فعال	خودشکوفایی	کمک به تصمیم‌گیری	رشد	
۶	استفاده از فنون	همدلی	تجربه‌های درونی		یکپارچگی خود	
۷		سبک زندگی	خود ^۱		مسئولیت‌پذیری	
۸		کمک به تصمیم‌گیری			خودشکوفایی	

از آنجا که مهم‌ترین مؤلفه‌های هر دانش در تعریف آن دانش مورد توجه قرار می‌گیرند در

1. Self.

ادامه صرف نظر از چارچوب رویکردها به برخی از تعریف‌های دانش مشاوره توسط صاحب‌نظران این رشته در دهه‌های اخیر اشاره می‌شود. پاترسون^۱ (۱۹۷۷) مشاوره را فرایندی می‌داند که در آن ارتباط خاص بین مشاور و مراجع برای حل مسئله و مشکل پدید می‌آید. آرباکل^۲ (۱۹۶۱) نیز مشاوره را فرایندی تخصصی بین مشاور و مراجع می‌داند که از طریق آن مراجع با کمک مشاور به تحلیل مشکلش می‌پردازد و در ضمن توجه به نکات ناشناخته شخصیت خویش به خودآگاهی دست یافته و با تعامل با مشاور به جستجوی راه‌حل برای مشکلاتش می‌پردازد. از دیدگاه پپینسکی^۳ (۱۹۵۴) به‌وسیله مشاوره مشکلات رفتاری نسبتاً سطحی که در اثر یادگیری به وجود آمده‌اند حل می‌شود و از نظر رابینسون^۴ (۱۹۵۰) به‌وسیله مشاوره سازگاری مراجع با خود و دیگران و مسئولیت‌پذیری و بلوغ عاطفی وی افزایش می‌یابد (شفیع آبادی، ۱۳۹۵).

در بیان استفلر^۵ مشاوره رابطه یاری‌دهنده‌ای است که مراجع پس از شناخت ویژگی‌های خود در نهایت تصمیم‌گیری درست و مناسب را یاد می‌گیرد (استفلر، ۱۹۷۲). هکنی^۶ و نای^۷ مشاوره را فرایند تخصصی ویژه‌ای می‌دانند که مراجع از طریق ارتباط با مشاور می‌تواند مشکلش را حل کند (هکنی، ۱۹۷۳). گوستاد^۸ مشاوره را رابطه‌ای آموزشی بین مشاور و مراجع بیان می‌کند که مراجع با افزایش بینش در جهت حل مشکلش یاری می‌شود (گوستاد، ۱۹۷۵). نلسون^۹ جوونز مشاوره را رابطه‌ای هدفمند و پویا می‌داند که مراجع را در خودشناسی و تصمیم‌گیری مناسب در راستای رفع نیازهایش یاری می‌دهد (نلسون، ۲۰۰۶؛ شفیع آبادی، ۱۳۹۵).

1. Patterson, C. H.
2. Arbuckle, D. S.
3. pepinsky, H.
4. Robinson, F.
5. Stefflre, B.
6. Hackney, H.
7. Nye, S.
8. Gustad, J.
9. Nelson, j.

مشاوره فرایندی است که به دنبال تسهیل رشد (شرتزر^۱، ۱۹۷۶)، کمک به سازگاری (بلاکر^۲، ۱۹۷۴)، کمک به تصمیم‌گیری (گیسون، ۲۰۰۷)، کمک به بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی (بلاکر، ۱۹۷۴) و کمک به تغییر رفتار مراجع است (احمدی، ۱۳۹۲). انجمن مشاوره آمریکا^۳ در تعریف مشاوره چنین آورده است: «کاربرد اصول بهداشت روانی، رشد روان‌شناختی یا انسانی از طریق مداخله‌های عاطفی، شناختی، رفتاری یا سیستمیک، همراه با استراتژی‌هایی که به سلامت جسمی و روانی، رشد شخصی یا پیشرفت شغلی و نیز به آسیب روانی و فیزیکی می‌پردازد». گلادینگ^۴ نیز در دو کلمه انتخاب و تغییر تعریف می‌کند (گلادینگ، ۲۰۱۵)؛ بنابراین می‌توان از مجموع این تعاریف چند مؤلفه مشترک استخراج کرد؛ رابطه‌ی اورانه، تجزیه و تحلیل مسئله و مشکل، کمک به حل مسئله، خودآگاهی، افزایش بینش، کمک به تصمیم‌گیری و کمک به حل مشکل و تغییر رفتار.

جدول ۲: مهم‌ترین مفاهیم دانش مشاوره بر اساس تعاریف دانش مشاوره

ردیف	تعاریف مشاوره	مؤلفه‌های اصلی در تعریف
۱	پاترسون ^۵	ارتباط خاص بین مشاور و مراجع کمک به حل مسئله
۲	آرباکل ^۶	تجزیه و تحلیل مشکل خودآگاهی
۳	پپینسکی ^۷	مشکلات رفتاری یادگیری
۴	راینسون ^۸	سازگاری مسئولیت‌پذیری
۵	استفلر ^۱	شناخت ویژگی‌های خود قدرت تصمیم‌گیری

1. Shertzer, B.
2. Blocker, D.
3. ACA.
4. Gladding, Samuel T.
5. Patterson, C. H.
6. Arbuckle, D. S.
7. pepinsky, H.
8. Robinson, F.

مؤلفه‌های اصلی در تعریف			تعاریف مشاوره	ردیف
		افزایش بینش	رابطه آموزشی	گوستاد ^۲ ۶
			تسهیل رشد	شرتزر ^۳ ۷
		بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی	کمک به سازگاری	بلاکر ^۴ ۸
پیشرفت شغلی	رشد شخصی	سلامت جسمی	مداخله عاطفی، شناختی و رفتاری	انجمن مشاوره آمریکا ^۵ ۹
			آسیب‌شناسی روانی و فیزیکی	
		تغییر	انتخاب	گلادینگ ^۶ ۱۰

با تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های مطرح شده در متون اصلی مشاوره می‌توان مفاهیم بنیادین مشاوره را در چند دسته طبقه‌بندی نمود: نخست: مرحله شروع مشاوره که شامل ارتباط یا ورانه و متعهدانه، حمایت و همدلی مشاور با مراجع می‌شود؛ دوم: مرحله شناسایی مسئله که شامل تجزیه و تحلیل مشکل به وسیله آسیب‌شناسی فیزیکی و روانی توسط مشاور و شناخت ویژگی‌های شخصیتی خود توسط مراجع می‌شود؛ سوم: مرحله مداخله مشاور و ارائه کمک به مراجع برای تغییر رفتار است که شامل آموزش و افزایش بینش، کمک به تصمیم‌گیری، سازگاری و قدرت انتخاب، افزایش عزت‌نفس و در نهایت رسیدن به رشد، کمال، یکپارچگی شخصیت و کاهش تنش‌های درونی و سبک زندگی صحیح است. در ادامه به سه مفهوم اصلی مشاوره که پایه و اساس مفاهیم دیگر هستند با رویکردی فلسفی و با توجه به نظرات فیلسوفان اسلامی، پرداخته می‌شود:

1. Stefflre, B.
2. Gustad. J.
3. Shertzer, b.
4. Blocker, D.
5. American Psychological Association.
6. Gladding, Samuel T.

ارتباط

ارتباط در کلام فیلسوفان اسلامی از دیرباز در مباحثی همچون اجتماعی بودن انسان، رابطه رهبر با پیروان، تأثیرات محیط بر اجتماع و به‌طور کلی مباحث نفس‌شناسی دیده می‌شود. فارابی انسان را طبعاً اجتماعی دانسته و رابطه را برای بقای وی ضروری می‌داند. از دیدگاه فارابی انسان‌ها بدون یکدیگر و بدون برقراری ارتباط نمی‌توانند نیازهای خود را برآورده کنند (فارابی، ۱۹۹۶). فارابی در مباحث خویش از تأثیر محیط بر انسان‌ها و رفتارهای آن‌ها بحث نموده است (فارابی، ۱۹۹۶).

فیلسوفان اسلامی در مباحث مختلف به ماهیت ارتباط و موانع شکل‌گیری آن پرداخته‌اند؛ به‌طور نمونه ابوریحان بیرونی یکی از مشکلات ارتباطی میان نفوس انسانی را پیش‌داوری و تعصب می‌داند؛ ایشان در این باره می‌نویسد: «تعصب چشم‌های بینا و گوش‌های شنوا را کور و کر می‌سازد و شخص را به کارهایی وامی‌دارد که باتوجه به اصول صحیح، انجام آن‌ها امری نابخشودنی است» (بیرونی، ۱۳۸۰).

خواجه نصیرالدین طوسی ارتباط را از نیازهای ذاتی انسان می‌داند. او انسان را موجودی «مدنی بالطبع» معرفی می‌کند و در توضیح این حقیقت به مقوله ارتباط میان فردی و نقش آن در رفع نیازهای مادی و معنوی و رشد و تعالی نفس آدمی می‌پردازد. از نظر خواجه طوسی کمال هر انسانی در گرو ارتباط با هم‌نوعان خویش است. ایشان در این مباحث حقیقت دیگری را مطرح می‌کند که از عوامل مهم پیدایش ارتباط میان انسان‌هاست؛ محبت و عشق حقیقتی ذاتی در وجود انسان‌هاست که میل به ارتباط را در میان آن‌ها پدید می‌آورد. ایشان به تعریف مفهوم عشق و دوستی پرداخته و در ضمن آن مفاهیم مهمی در روابط انسانی همچون محبت، صداقت و مودت را مورد توجه قرار می‌دهد (طوسی، ۱۴۱۳).

از منظر فیلسوفان اسلامی ارتباط نتیجه و اثر حقیقتی پویا در وجود آدمی به نام «نفس» است. ارتباط موجب پدید آمدن کیفیتی در محل قوه ادراکی نفس مخاطب بوده که موجب حرکت اشتدادی آن می‌شود (ابن‌سینا و حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵). نفس مبدأ پیدایش

جلوه‌های حیاتی انسان همچون فهمیدن و فهماندن، انعکاس احساس عواطف و رفتارهای مناسب است (ابن سینا و نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۳). نفس جوهری بسیط و مجرد است که از قوا و توانایی‌هایی برخوردار است که منشأ پیدایش رفتارهای آدمی همچون ارتباط با دیگران است (ابن سینا و نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۳؛ صدرالدین شیرازی و سیزواری، ۱۳۶۸).

در بیان فیلسوفان اسلامی فرایند ارتباط به وسیله «نفس» پدیدار می‌شود. نفس واقعیتی است که انسان‌ها با واژه «من» از آن یاد می‌کنند. تبیین ماهیت نفس و کیفیت ساختار وجودی آن و نحوه ارتباط آن با بدن و به واسطه بدن، با انسان‌های دیگر، فرایند ارتباط بین فردی را مشخص می‌کند. از منظر فیلسوفان اسلامی نفس آدمی متشکل از قوای گیاهی، حیوانی و انسانی است. نفس با بهره‌مندی از قوای گیاهی به جذب و هضم و دفع برای ساخت اجزای تحلیل رفته از بدن و در نهایت، رشد و تولیدمثل می‌پردازد؛ چنانچه با استفاده از قوای حیوانی دارای قوه مدرکه و محرکه است. در این مرتبه نفس توانایی ادراک و ایجاد انگیزه برای حرکت بر اساس خوشامدها و ناملایمات را داشته و از طرفی دارای ادراک حسی و ادراک باطنی است. با ادراک حسی همچون دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن و لمس کردن امور خارجی را درک می‌کند و با حواس باطنی همچون خیال و وهم در دنیای تصورات و پیدایش شناخت‌های جدید قدم می‌گذارد و از طرف دیگر دارای توانایی ایجاد انگیزه و انجام امور است (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸).

مرتبه سوم از توانایی‌های نفس مربوط به توانایی‌های اختصاصی به انسان می‌شود. در این مرتبه آدمی دارای عقل نظری و عملی است؛ بدین صورت که به وسیله عقل نظری معقولات را از عقل فعال دریافت می‌کند. وی اگر این توانایی را نداشت، هیچ‌گاه نمی‌توانست ادراک عقلی داشته باشد؛ چنانچه دارای عقل عملی است که مبدأ انجام رفتارهای مختلف است. نفس آدمی توسط این توانایی بدن را به کارهایی که نیاز به انتخاب و تصمیم‌گیری دارند وامی‌دارد. عقل عملی همان توانایی تجزیه تحلیل تمام داده‌های داخلی و خارجی در راستای انتخاب رفتار مناسب و اراده نمودن آن در شرایط مختلف است؛ بنابراین نفس انسان حقیقتی پویا و دارای توانایی‌های مختلف برای پیدایش

ارتباط است که انسان به وسیله آن می‌فهمد، می‌شناسد، انتخاب می‌کند و بر اساس اراده‌ای که دارد، رفتارهای مختلف انجام داده و با دیگران ارتباط می‌گیرد؛ از این رو نفس ابتدایی‌ترین نقطه ارتباط با دیگران است که در حقیقت دستگاه فرستنده ارتباط محسوب می‌شود (صدرالدین شیرازی و سیزواری، ۱۳۶۰).

صدرالمآلهین همچون سایر فیلسوفان مسلمان، فرایند ارتباط را تبیین و تحلیل نموده است. در ادامه فرایند ارتباط در ضمن شش ایستگاه تبیین می‌شود. ایستگاه اول مربوط به نظام بینشی روان می‌شود؛ نظام بینشی مجموعه‌ای از دانش‌های حسی، خیالی، وهمی و عقلی است. شناخت‌های برآمده از حس به وسیله قوای ادراک حسی همچون دیدن، شنیدن و لمس کردن منظره یا شخصی پدید می‌آیند. قوای ادراک حسی مبدأ انفعال در سیستم روانی انسان هستند. به وسیله قوای حسی اثری در نظام نفس ایجاد می‌شود که اصطلاحاً «صورت حسی» نامیده می‌شود. صورت حسی از حواس ظاهری به حس مشترک منتقل می‌شود؛ بدین معنا که هم‌زمان مشابه صورت حسی در حس مشترک پدید می‌آید. حس مشترک توانایی و قوه‌ای در نظام نفس است که محل ذخیره صورت‌های حسی مشابه با شیء محسوس است؛ در حقیقت احساس شیء محسوس توسط حس ظاهری واسطه‌ای برای پیدایش صورت آن در حس مشترک است؛ بنابراین اولین جرقه‌های ارتباط، با دیدن و یا شنیدن صدای مخاطب در نظام نفس، زده می‌شود (پورعباس و عیسی مراد رودبند، ۲۰۱۹). دانش برآمده از حس اولین شناخت‌ها در سیستم روانی هستند و به نوعی ماده اولیه برای ایجاد شناخت و احساس جدید هستند که خود از مبادی اصلی پیدایش ارتباط‌اند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۰).

شناخت‌های خیالی جزء دیگر از نظام بینشی نفس هستند. این شناخت‌ها بر اثر انتقال صورت حسی از حس مشترک به «قوه خیال» و پدیدایی تصویری خیالی ایجاد می‌شوند. صورتی که از محسوس به قوه خیال منتقل شده، «صورت خیالی» نامیده می‌شود. ویژگی این صورت این است که پس از قطع ارتباط اندام حسی با پدیده محسوس از بین نمی‌رود و در قوه خیال بایگانی می‌شود. قوه خیال مخزن حس مشترک است و در حقیقت معین و

یاور ادراک بوده و نفس را در فرایند شناخت یاری می‌کند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸)؛ بنابراین نفس علاوه بر بهره‌مندی از شناخت‌های حسی توانایی ایجاد شناخت‌های جدید توسط قوه خیال را دارد؛ نفس با استفاده از شناخت‌های حسی به وسیله قوه خیال شناخت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند که در حقیقت چنین شناخت‌هایی و انواع دیگر شناخت زمینه اصلی برای پیدایش ارتباط با دیگران هستند.

شناخت‌های وهمی جزء دیگری از نظام بینشی نفس را تشکیل می‌دهند. نفس توانایی دارد که با استفاده از شناخت‌های حسی و خیالی تصویرهای جدیدی با ویژگی‌های متفاوت از آن دو شناخت ایجاد کند. سیستم شناختی نفس تنها در شناخت محسوسات و شناخت‌های خیالی منحصر نیست؛ بلکه در مرتبه‌ای بالاتر نفس با استفاده از داشته‌های شناختی خود به پردازش جدیدی توسط قوه واهمه می‌پردازد و شناخت‌های جدیدی تولید می‌کند؛ به‌طور مثال قوه واهمه با استفاده از داده‌های حسی که از گل به دست آورده، مفهوم زیبایی را درک می‌کند و یا با شنیدن صدای دوست، محبت و عشق را تصور می‌کند. در هر محسوسی ویژگی‌هایی یافت می‌شوند که نامحسوس‌اند. نفس با استفاده از توانایی واهمه در کنار «حس مشترک» و «قوه خیال» به ایجاد تصاویر و معانی جدید می‌پردازد که مجموع تصاویر پدید آمده از مهم‌ترین عوامل پیدایش ارتباط محسوب می‌شوند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸).

ایستگاه دوم مربوط به ذخیره‌سازی شناخت‌های پدید آمده در نظام روانی است؛ شناخت‌های حاصل شده مانند زیبایی، عشق و صمیمیت در بخشی از نظام روانی به نام حافظه ذخیره می‌شوند. حافظه همان نقشی را برای واهمه ایفا می‌کند که خیال برای حس مشترک داشت. نفس به وسیله توانایی حافظه معانی را که وهم درک نموده را از زوال حفظ می‌کند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸)؛ نفس تصاویری را که در او ایجاد شده از دست نمی‌دهد؛ بلکه در منابع مختلفی که دارد آن‌ها را حفظ می‌کند.

ایستگاه سوم توانایی نفس در گردش بین شناخت‌های ذخیره شده و تبدیل مجهولات به شناخت‌های جدید است. در این مرحله نفس، توانایی تفکر، تخیل و توهم را با استفاده

از معانی ذخیره‌شده در بُعد بینشی دارد. اگر عقل این توانایی را برای تصرف در شناخت‌های موجود در اختیار بگیرد، «مفکره» نامیده می‌شود و در صورتی که وهم شناخت‌های موجود را به کار گیرد، «متخیله» نامیده می‌شود. در این ایستگاه نفس توسط قوه متصرفه، متخیله و مفکره، بسته به اهداف و اغراضی که دارد در صورت‌های ذخیره‌شده در قوه خیال، قوه وهم و در معقولات به نحو ترکیب یا جداجدا تصرف می‌کند و شناخت‌های جدیدی به دست می‌آورد؛ به‌طور نمونه نفس می‌تواند از تغییرات به وجود آمده در چیزی ماهیت ممکن‌الوجود بودن و معلول بودن آن را بفهمد و یا در ارتباط با دوست محبت را درک کند و آن را به زیبایی گل ضمیمه نماید (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸)؛ بنابراین نفس توانایی گردش و استفاده از شناخت‌های ذخیره‌شده در منابع خویش را دارد و می‌تواند در مواجهه با شرایط مختلف از شناخت‌های متناسب بهره‌برد و همین توانایی موجب پیدایش ارتباط‌های متفاوت توسط فرد با دیگران می‌شود.

ایستگاه چهارم مربوط به پدیدایی احساسات و عواطف متناسب با شناخت‌های موجود در نظام روانی است. شناخت خاص در کنار احساس و عاطفه برآمده از آن موجب پیدایش شور و اشتیاق یا نفرت و انزجار از چیزی می‌شود و از آنجا که نفس توانایی خواستن (شهوت) یا طرد کردن (غضب) نسبت به چیزی را دارد؛ با این توانایی نفس فرمان جذب یا دفع چیزی را صادر می‌کند. شهوت یا خواستن در نظام نفس در ادامه سیستم بینشی قرار دارد. از این ایستگاه در اصطلاح فیلسوفان مسلمان به «محرکه نزوعیه» تعبیر شده است که در فرایند ارتباط، حکم صادرکننده فرمان برای پیدایش ارتباط را دارد (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸).

ایستگاه پنجم مربوط به پیدایش عزم و اراده و صدور فرمان اجرایی توسط نفس است. فیلسوفان اسلامی از این توانایی به «قوه محرکه فاعله» تعبیر نموده‌اند. در این مرحله نفس فرمان حرکت را صادر کرده و به‌وسیله رابطی به نام «روح بخاری» که واسطه بین نفس و بدن است، بدن را به حرکت درآورده و موجب انجام رفتار می‌شود. در حقیقت نظام انگیزشی نفس از شناخت‌ها و به دنبال آن احساسات و عواطف متناسب، شروع و با

پیدایش شور و شوق برای انجام رفتار متناسب ادامه می‌یابد تا اینکه سیستم کنشی نفس، تصمیمی برای انجام رفتار متناسب با بینش و گرایش‌های موجود گرفته و به واسطه روح بخاری بدن را به حرکت واداشته و رفتار موردنظر را انجام می‌دهد و نیمی از فرایند ارتباط که ارسال پیام به مخاطب است، محقق می‌شود.

آخرین ایستگاه در فرایند ارتباط، مربوط به دریافت‌کننده پیام است. انفعال و اثرپذیری نفس دریافت‌کننده پیام، از طرفی پایان چرخه ارتباط و از جهتی شروع چرخه جدیدی است. نفس انسان به جهت آنکه محل صورت‌های معقول و حالت‌های پدید آمده در آن است همواره از آن صورت‌ها و حالت‌ها منفعل می‌شود. در فرایند ارتباط فرستنده پیام، دانش، احساس و یا عاطفه جدیدی را به گیرنده (مخاطب) ارسال می‌کند و دقیقاً چرخه انتقال از ایستگاه اول که بیان شد برای مخاطب آغاز می‌شود. در ادامه به تبیین نظام دریافتی نفس و چگونگی دریافت پیام‌ها پرداخته می‌شود.

فیلسوفان اسلامی در پاسخ به اینکه نفس چگونه دانش جدیدی را می‌یابد و نحوه اثرپذیری آن چگونه است؟ وجود عقل هیولانی را در نفس مطرح می‌کنند. انفعال و اثرپذیری نفس بر اساس سه قاعده «تقابل» (امتناع اجتماع قوه و فعل در بسیط)، «انفعال بسیط» (وجود مبدأ انفعال بسیط در ماده آن) و «حدوث» (نیاز حادث به ماده) تبیین می‌شود. در فلسفه اسلامی وقتی سخن از «هیولا» مطرح می‌شود منظور جنبه قابلیت و استعداد و بالقوه بودن چیزی است در مقابل «صوری» که منظور جنبه فعلیت چیزی است؛ بنابراین نفس مرکبی از ویژگی‌های بالفعل (صوری) و بالقوه (هیولا) است. لازمه تحقق انفعال که از آن با تعبیر «قبول» نیز یاد می‌کنند این است که نفس علاوه بر ویژگی‌های بالفعل (صوری) شامل هیولا هم باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۲).

بر اساس قاعده حدوث، پیدایش و حدوث شیء بدون امکان تحقق آن، محال است. هر شیء حادثی حتماً امکان استعدادی داشته که حادث شده است. به حامل استعداد شیء «ماده» گفته می‌شود و از آنجا که از نظر زمانی بر خود شیء مقدم است به آن «ماده سابق» می‌گویند. در صورتی که شرایط محقق شود استعداد به فعلیت می‌رسد و جای خود را به

شیء حادث و اگذار می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۲).

نفس، استعداد پیدایش شناخت‌ها، عواطف و گرایش‌ها و تصمیم‌های جدید را دارد که با تحقق شرایط، موارد بیان‌شده به فعلیت می‌رسند؛ بنابراین ماده سابقِ نفس، فعلیتی داشت و ضمناً حامل استعداد جدیدی بود که با به حدنصاب رسیدن شرایط، استعداد آن به فعلیت رسید و ماده جدید در آن حادث شد؛ ازاین‌رو نفس با استعدادهایی که دارد اگر شرایط محقق شود به سرعت تغییر می‌کند و ساختار جدیدی می‌پذیرد. نفس در مراحل اولیه موجودی جسمانی است که استعداد مجرد عقلی شدن را داراست و درحالی که صوری است، هیولانی هم هست؛ صورت برای جسم آلی و هیولا برای مجرد عقلی (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸)؛ بر این اساس نفس دو ویژگی مهم دارد؛ نخست از بدو وجود، فعلیت مشخصی داشته است؛ دوم اینکه در ضمن فعلیت، دارای استعداد تغییر و تحول بوده است؛ ازاین‌رو شناخت‌ها و به دنبال آن عواطف و احساسات و رفتارهایی که در ادامه ایجاد می‌شوند موجب تغییر و توسعه نفس می‌شوند.

صدرالمتألهین نفس را جسمانیة الحدوث و دارای حرکت جوهری اشتدادی می‌داند. نفس با صورت عنصری زندگی را آغاز می‌کند، در مرحله بعد صورتی معدنی به خود گرفته درحالی که مرتبه عنصری پیش را هم دارد. در مرحله بعد از صورت معدنی به نفس نباتی تبدیل می‌شود درحالی که مراتب عنصری و معدنی را شامل می‌شود. در مرحله بعد از نفس نباتی به نفس حیوانی تبدیل می‌شود درحالی که شامل سایر مراتب گذشته هم هست. در مرحله بعد از نفس حیوانی به نفس مجرد تبدیل می‌شود. در آخرین مرحله جسمانی (نفس حیوانی) نفس دارای کامل‌ترین مرتبه مادی و استعداد عقل مجرد را داراست؛ یعنی صورت ماده و هیولای مجرد را داراست. در این مرحله استعداد دریافت صور عقلی را دارد؛ بنابراین نفس به عینه با شناخت‌ها، احساسات و عواطف مختلف تغییر می‌کند و اتحاد عقل و معقول محقق می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵)؛ صدرالدین شیرازی، بی تا).

انتخاب

انتخاب آخرین مرحله از فرایند اراده در نظام روانی آدمی است. نفس آدمی همان گونه که فاعل شناسا است، انجام دهنده رفتارها نیز هست. اراده از خصوصیات نفس در جهت انجام خواسته‌هایش است. صدرالمتأللهین اراده را کیف نفسانی و از امور وجدانی همچون لذت و درد می‌داند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸). ایشان بعد از نقد و بررسی تعاریف معتزله و اشاعره و برخی از اندیشمندان، اراده را چنین تعریف می‌کند: «کیفیتی که از علم و تصور نسبت به فواید امری آغاز شده و موجب تصمیم و عزم نسبت به انجام آن و شوق به سوی آن می‌شود. شوق پدید آمده موجب میل به حرکت در اعضا و جوارح برای تحصیل آن امر می‌شود. در حقیقت چهار مرحله در فرایند اراده طی می‌شود نخست، شناخت، دوم شوق، سوم تصمیم و چهارم میل به تحقق و حرکت اعضا و جوارح (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸؛ صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸).

مشاور در فرایند مشاوره در صدد است به مراجع نسبت به انتخاب درست و به موقع و تسهیل فرایند تصمیم‌گیری صحیح کمک کند. از این رو با تحلیل فلسفی فرایند اراده، چنین دانسته می‌شود که مشاور لازم است تمام تلاش و تمرکز خود را به شناخت‌ها و تصورات مراجع معطوف نماید. سایر موارد در فرایند اراده در حقیقت به صورت خودکار و غیرارادی محقق می‌شوند. شوق کیفیتی نفسانی و غیرارادی است که اجبار پذیر نیست؛ نمی‌توان کسی را مجبور کرد نسبت به چیزی شوق داشته باشد؛ از این رو بر اساس تحلیل فیلسوفان اسلامی برای تغییر انتخاب‌های مراجع تنها یک راه منطقی وجود دارد و آن تغییر شناخت‌ها و تصورات فرد در موضوعات مختلف است.

تغییر رفتار

از دیدگاه صدرالمتأللهین مهم‌ترین عامل تغییر رفتار، تغییر ایمان (نظام باورها) در نظام نفسانی فرد است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶). ایمان سیستمی متشکل از شناخت‌های اساسی، گرایش‌های متناسب با شناخت‌ها و تصمیمات و رفتارهای همسو با شناخت‌ها و گرایش‌های موجود است. هسته اصلی ایمان (باورهای اساسی) شناخت‌ها و دانش‌های

اساسی فرد هستند. از دیدگاه صدرا برای تغییر رفتار لازم است شناخت‌ها و معارف متناسب در فرد ایجاد شود؛ ایشان مهم‌ترین عامل ایجاد معرفت و شناخت جدید در نظام نفسانی را انجام رفتارهای متناسب می‌داند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸)؛ بنابراین دو مبنای اصلی صدرالمآلهین برای تغییر رفتار، نخست تغییر نظام اصلی باورهای فرد (ایمان) است؛ دوم تغییر ایمان به واسطه انجام و تکرار رفتارهای متناسب است.

بعد از شناخت مبانی اصلی فیلسوفان اسلامی در تغییر رفتار، شناخت مراحل شکل‌گیری رفتار از دیدگاه ایشان برای ارائه طرح درمانی در جهت تغییر رفتارهای نامناسب مهم است. با توجه به مراحل شکل‌گیری رفتار می‌توان رفتارهای مؤثر در هر مرحله را توصیه نمود و در حقیقت طرح درمانی مناسب برای تغییر رفتارهای مختلف را ارائه کرد. فیلسوفان حکمت متعالیه انجام رفتارها را در ضمن پنج مرحله تبیین می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰).

در مرحله اول موضوعی در قالب نیاز، شناخت و یا احساس در سیستم روانی پدیدار می‌شود؛ همان‌طور که گفته شد، ساحت روانی انسان به‌طور فطری از ابتدای پدیدایی دارای توانمندی‌هایی است؛ از جمله توانایی‌های نظام روانی انسان، توانایی شناختی است؛ انسان از بدو تولد دارای شناخت‌های اصلی همچون شناخت‌های حسی و برخی شناخت‌های غیر حسی همچون شناخت نسبت به وجود خود و مادر خود است. این شناخت‌ها در نظام روانی، اولین گام‌های علمی در هر انسان قلمداد می‌شود. با وجود این توانایی هر انسانی خود را درک می‌کند؛ به‌طوری‌که کمترین تغییر در ساحت روانی خویش را درک می‌کند و علم حضوری به خویشتن دارد؛ این شناخت‌ها با رشد و تطور توانایی خیال و در ادامه توانایی تفکر روزافزون می‌شود و در حافظه ذخیره می‌شوند؛ بنابراین انسان، تغییرات در نظام روانی را می‌فهمد و متوجه می‌شود که موضوعی در شکل نیاز یا شناخت و یا احساس جدیدی در او پیداشده است و می‌تواند با استفاده از توانایی حافظه از منابع شناختی خود بهره‌برد (طباطبایی، ۱۳۹۰).

در مرحله دوم، بُعد هشیار روانی، تغییر ایجادشده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد

و فایده‌های موضوع پیدا شده در نظام روانی را تصور کرده و شناخت جدیدی از وضعیت موجود پدید می‌آید. شناخت پدید آمده بُعد گرایشی را تحریک نموده و توجه آن را نسبت به موضوع جلب می‌کند؛ بدین شکل که بُعد هشیار روانی می‌فهمد که با انجام رفتاری می‌تواند به لذت و نفعی دست یابد و مشکلی را حل کند؛ از این رو میل و گرایش به تحقق آن رفتار در نظام روانی پدیدار می‌شود. با فعال شدن بعد بینشی و گرایشی در نظام روانی، شور و شوقی برای تحقق رفتار ایجاد می‌شود و در ادامه توانایی عزم و اراده در نظام روانی خود را نشان می‌دهد؛ به طور نمونه نیازی در قالب تشنگی در انسان پیدا می‌شود، بُعد شناختی متوجه آن می‌شود و درک می‌کند که با آب خوردن، مسئله حل شده و مشکل برطرف می‌شود؛ یعنی فواید رفع آن نیاز را تصور می‌کند. روشن است که تصور لذت نوشیدن آب برای فرد شوق و شعفی در برطرف کردن آن ایجاد می‌کند؛ از این رو بُعد گرایشی نیز فعال شده و میل و احساس مثبتی برای برطرف کردن تشنگی ایجاد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰).

در مرحله سوم بُعد کنشی یا همان اراده به کار می‌افتد. نظام روانی توانایی صدور فرمان اجرایی برای تحقق رفتار متناسب با بینش‌ها و گرایش‌های موجود را داراست؛ به طور نمونه وقتی بُعد بینشی و گرایشی نسبت به برطرف کردن تشنگی به کار افتادند در ادامه شور و شوقی نسبت به حل و فصل آن معضل در نظام روانی ایجاد می‌شود و فرمان برطرف کردن معضل برای رسیدن به کمال صادر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۶).

مرحله چهارم، مربوط به توانایی ایجاد تغییر توسط بُعد روانی در بدن می‌شود. قوا و توانایی‌های نفس در انجام رفتارهای خواسته شده در فلسفه اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. «قوه»، توانایی و استعدادی است که بُعد روانی شخصیت در ایجاد تغییر در شیء دیگری چون بدن دارد (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸).

از منظر صدرالمتألهین قوای نفس، عین آن هستند و در واقع مرتبه‌ای از مراتب نفس‌اند که مبدأ فعل و انفعالات در بدن می‌شوند. نفس دارای سه مرتبه است؛ مرتبه گیاهی، حیوانی و ناطقه. نفس گیاهی دارای سه قوه غذایی، نامیه و مولده است که با آن‌ها عمل بازسازی،

رشد و تولیدمثل را انجام می‌دهد و در ضمن از چهار قوه جاذبه، ماسکه، هاضمه و دافعه در راستای تحقق موارد بیان شده استفاده می‌کند. نفس حیوانی با دو قوه مدرکه و محرکه، مأموریت ادراک و انگیزش را بر عهده دارد. توانایی ایجاد انگیزه برای انجام امور و در ادامه انجام رفتارها وظیفه این مرتبه از بعد روانی است. فیلسوفان اسلامی از این توانایی به قوه شوقیه هم تعبیر کرده‌اند که علت غائیة برای امور بوده و مرتبط با قوه خیال است. قوه محرکه شوقیه دو شعبه شهوانیه و غضبیه دارد. وظیفه قوه محرکه فاعله ارتباط با روح بخاری و به واسطه آن برانگیختن اعصاب و عضلات و به حرکت درآوردن آن‌هاست. بعد روانی در این مرتبه از توانایی ادراک ظاهری و باطنی برخوردار است که در مباحث قبلی مورد اشاره قرار گرفتند.

نفس در مرتبه سوم از توانایی عقل نظری و عقل عملی برخوردار است. نفس در این مرتبه تمام مراتب قبلی یعنی نفس حیوانی و نباتی را داراست و علاوه بر آن‌ها از دو قوه عامله و عالمه برخوردار است. قوه عالمه (عقل نظری) قوه‌ای است که دارای چهار مرحله عقل هیولایی (بالملکه)، عقل بالفعل، عقل مستفاد و عقل فعال می‌شود؛ توانایی عقل نظری، عامل تکامل نفس و رسیدن به مرحله پیوند و ارتباط با مفارقات و مجردات است؛ چنانچه قوه عامله وظیفه‌اش اداره بدن و انجام رفتارهای متناسب است. توانایی عقل نظری کارش قبول صور از عالم بالا است و توانایی عقل عملی کارش تأثیر بر بدن است (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸).

مرحله پنجم مربوط به «روح بخاری» است که موجب تحریک عضلات برای انجام رفتار است (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸). روح بخاری واسطه بین قوای نفس با بدن در انجام امور مختلف است. روح بخاری جوهری جسمانی و لطیف است که هم دارای بعد جسمانی و متشکل از اخلاط بوده و هم بعد نورانی و مجرد دارد. از منظر حکمت متعالیه روح بخاری بدن اول برای نفس است؛ بدین صورت که تعلق اولی و اصلی نفس به روح بخاری است و تعلق دومی و باواسطه نفس به بدن و اعضای مادی است. نفس برای انجام افعالش در دنیای مادی، به مناسبت فعلی که می‌خواهد انجام دهد از مرتبه

مناسب آن فعل اقدام می‌کند (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸) و از طریق واسطه‌هایی به نام «قوا» و در نهایت واسطه‌ای بین قوا و بدن که روح بخاری است، آن فعل را محقق می‌سازد (صدرالدین شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸)؛ بنابراین با توجه به مبانی و مراحل تغییر رفتار در حکمت متعالیه مهم‌ترین موضوع که در تغییر رفتار نقش ایفا می‌کند، تغییر نظام باورها (ایمان) به واسطه تغییر شناخت‌های اساسی از طریق انجام رفتارهای متناسب است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی فلسفی مفاهیم بنیادین دانش مشاوره با تأکید بر نظرات صدرالمتألهین انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که فیلسوفان اسلامی و حکمت متعالیه، تبیین دقیقی از مفاهیم اصلی دانش مشاوره دارند؛ در این راستا نخست بر اساس تحلیل محتوای مفاهیم مطرح شده در تعاریف و مکتب‌های مشاوره، مهم‌ترین مفاهیم بنیادین دانش مشاوره استخراج شد؛ این مفاهیم عبارت‌اند از: ارتباط یا ورانه و متعهدانه (پذیرش بدون قید و شرط، حمایت و همدلی)، افزایش بینش (خودآگاهی و واقع‌بینی نسبت به وقایع خارجی)، کمک به حل مسئله، کمک به رشد (مراحل مختلف رشد) و خودشکوفایی، کمک به سازگاری، مسئولیت‌پذیری، کمک به تصمیم‌گیری، انتخاب و تغییر رفتار؛ در ادامه این مفاهیم در ضمن سه دسته اصلی طبقه‌بندی شدند؛ مفهوم «ارتباط»، «انتخاب» و «تغییر رفتار»؛ در مرحله سوم، مفاهیم اصلی در آراء و اندیشه‌های صدرالمتألهین مورد بررسی قرار گرفتند.

ارتباط نخستین مفهوم مورد بررسی است؛ در کلام فیلسوفان اسلامی از دیرباز در مباحثی همچون اجتماعی بودن انسان، رابطه رهبر با پیروان، تأثیرات محیط بر اجتماع و به‌طور کلی مباحث نفس‌شناسی دیده می‌شود. ایشان در مباحث مختلف به ماهیت ارتباط و موانع شکل‌گیری آن پرداخته‌اند. از منظر فیلسوفان اسلامی ارتباط نتیجه و اثر حقیقتی پویا در وجود آدمی به نام «نفس» است. صدرالمتألهین ارتباط را در شش ایستگاه چنین تبیین می‌کنند؛ ایستگاه اول مربوط به نظام بینشی روان می‌شود؛ نظام بینشی مجموعه‌ای از

دانش‌های حسی، خیالی، وهمی و عقلی است. شناخت‌های برآمده از حس، خیال، وهم و تعقل که به‌وسیله توانایی‌های نفس پدید می‌آیند. در این مرحله، قوای حسی اثری در نظام نفس ایجاد می‌کنند که اصطلاحاً «صورت حسی» نامیده می‌شود؛ سپس صورت‌های حسی به‌وسیله توانایی خیال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و صورت‌های جدیدی پدید می‌آیند؛ صورت‌های پدید آمده در قوه خیال ذخیره می‌شوند؛ در ادامه توانایی دیگری به نام واهمه تصاویر موجود در قوه خیال را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تصوراتی با ویژگی‌های جدیدی در نظام روانی ایجاد می‌کند؛ ایستگاه دوم مربوط به ذخیره‌سازی شناخت‌های پدید آمده در نظام روانی است؛ شناخت‌های حاصل شده مانند زیبایی، عشق و صمیمیت در بخشی از نظام روانی به نام حافظه ذخیره می‌شوند. قوه حافظه محل ذخیره و بانک اطلاعاتی نظام روانی است؛ ایستگاه سوم توانایی نفس در گردش بین شناخت‌های ذخیره‌شده و تبدیل مجهولات به شناخت‌های جدید است. در این مرحله نفس، توانایی تفکر، تخیل و توهم را با استفاده از معانی ذخیره‌شده در بُعد بینشی دارد؛ بدین صورت که نیروی عقل یا وهم تصورات موجود در قوه حافظه را مورد تجزیه و تحلیل و هر کدام نتایج و شناخت‌های جدیدی پدید می‌آورند؛ ایستگاه چهارم مربوط به پدیدایی احساسات و عواطف متناسب با شناخت‌های موجود در نظام روانی است. شناخت خاص در کنار احساس و عاطفه برآمده از آن موجب پیدایش شور و اشتیاق یا نفرت و انزجار از چیزی می‌شود و از آنجا که نفس توانایی خواستن (شهوت) یا طرد کردن (غضب) نسبت به چیزی را دارد؛ با این توانایی نفس فرمان جذب یا دفع چیزی را صادر می‌کند. ایستگاه پنجم مربوط به پیدایش عزم و اراده و صدور فرمان اجرایی توسط نفس است. آخرین ایستگاه در فرایند ارتباط، مربوط به دریافت‌کننده پیام است. انفعال و اثرپذیری نفس دریافت‌کننده پیام از طرفی پایان چرخه ارتباط و از جهتی شروع چرخه جدیدی است.

از دیدگاه صدرا ارتباط موجب پدید آمدن کیفیتی در محل قوه ادراکی نفس مخاطب است که موجب حرکت اشتدادی آن می‌شود. نفس مبدأ پیدایش جلوه‌های حیاتی انسان همچون فهمیدن و فهماندن، انعکاس احساس عواطف و رفتارهای مناسب است. تبیین

ماهیت نفس و کیفیت ساختار وجودی آن و نحوه ارتباط آن با بدن و به واسطه بدن، با انسان‌های دیگر، فرایند ارتباط بین فردی را مشخص می‌کند؛ بنابراین ارتباط در بستر حقیقتی پویا و درون انسانی به نام نفس پدید می‌آید. نفس با توانایی‌هایی همچون فهمیدن، عاطفه، حافظه و تصمیم‌گیری که دارد موجب پیدایش چرخه ارتباط می‌شود.

نحوه دریافت دانش‌ها و تصورات جدید توسط نظام روانی در کلام صدرالمتألهین تبیین شده است. ایشان با استفاده از سه قاعده تقابل، انفعال بسیط و حدوث به کیفیت پدید آمدن دانش و احساس جدید در نظام روانی می‌پردازد. نفس ویژگی بالقوه و هیولانی برای پذیرش شناخت‌ها، عواطف، گرایش‌های و تصمیمات جدید دارد که با پدید آمدن شرایط، استعداد آن به فعلیت می‌رسد و ماده جدید در آن حادث می‌شود. ایشان بر اساس حرکت جوهری، رشد و تکامل نفس با پدید آمدن صورت‌های جدید در نفس را تبیین می‌کند و بر این باور است که شناخت‌ها، احساسات، عواطف پدید آمده عین نفس شده و ماهیت جدیدی برای نفس پدید می‌آورند و حرکتی دائمی برای نفس در میان مراتب عالم ماده، مثال و عقل وجود دارد.

انتخاب دومین مفهوم اصلی در دانش مشاوره است؛ انتخاب آخرین مرحله از فرایند اراده در نظام روانی آدمی است. شناخت فرایند انتخاب موجب خودآگاهی، تسهیل تصمیم‌گیری و انتخاب درست برای مراجع می‌شود و کمک شایانی به حل مسائل او می‌کند؛ از این رو تبیین انتخاب نقش مهمی در دانش مشاوره دارد. از دیدگاه صدرالمتألهین چهار مرحله در فرایند اراده طی می‌شود نخست، شناخت، دوم شوق، سوم تصمیم و چهارم میل به تحقق و حرکت اعضا و جوارح؛ بر این اساس انتخاب‌های هر کس در گروه شناخت‌های اوست؛ بنابراین در نگاه صدرالمتألهین انتخاب درست در گروه شناخت واقع‌بینانه و درست است.

تغییر رفتار سومین مفهوم اساسی در دانش مشاوره است. مراحل شکل‌گیری رفتار از منظر فیلسوفان حکمت متعالیه در ضمن پنج مرحله تبیین می‌شود: نخست: پدیدایی شناخت، احساس یا نیاز در ساحت روانی؛ دوم: تجزیه و تحلیل صورت پدید آمده و فرمان

بعد گرایشی نفس برای دست‌یابی به لذت و دفع مشکل یا نیاز موجود؛ سوم: به کار افتادن بعد کنشی برای تحقق رفتار متناسب با بینش و گرایش موجود در نظام روانی؛ چهارم: توانایی ایجاد تغییر توسط قوای نفس در بدن است؛ پنجم: حرکت در عضلات بدن توسط قوای نفس و به واسطه روح بخاری برای انجام رفتار است.

از دیدگاه صدرالمتألهین مهم‌ترین عامل تغییر رفتار، تغییر ایمان (نظام باورها) در نظام نفسانی فرد است و مهم‌ترین عامل تغییر ایمان، ایجاد شناخت‌ها و دانش‌های اساسی در فرد هستند و مهم‌ترین عامل ایجاد شناخت در فرد انجام و تکرار رفتار و عمل است. در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری به صورت اختصاصی به فرایند تغییر رفتار از نگاه صدرالمتألهین و فیلسوفان اسلامی پردازند.

ORCID

Hadi Hemmatyan

Mahdi Hemmatyan

Mohsen Karimian



<https://orcid.org/0000>



<https://orcid.org/0000>



<https://orcid.org/0000>

منابع

آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۹). *فلسفه علم روان‌شناسی*، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۵). *النفس من کتاب الشفاء*، حسن زاده آملی، حسن، قم، مکتب الإعلام اسلامی، مرکز النشر.

ابن سینا، حسین بن عبدالله و نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۰۳). *شرح الإشارات و التنبیها للطوسی (مع المحاکمات)*، قم، دفتر نشر کتاب.

احمدی، سید احمد. (۱۳۹۲). *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*، تهران، سمت. اعتصامی، حمیده و شفیق آبادی، عبدالله. (۲۰۲۲). «اثر بخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد اخلاقی دانش آموزان پسر پایه ششم دبستان». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۳(۵۲)، ۲۳۳-۲۵۵.

باقری، خسرو. (۱۳۹۸). *فلسفه علم روان‌شناسی*، تهران، سمت. بوژنه، ماریو. (۲۰۱۹). *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، زارعان، محمدجواد، حقانی، ابوالحسن، شاملی، عباسعلی، عباسعلی نارویی نصرتی، رحیم، رهنمایی، سیداحمد، عباس پور، محمد، ابوترابی، علی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. بیرونی، ابو ریحان. (۱۳۸۰). *الاثار الباقیه عن القرون الخالیه*، اذکیایی، پرویز، تهران، موسسه نشر میراث مکتوب.

پروچسکا، جیمز او. (۱۹۹۹). *نظریه‌های روان‌درمانی*، سید محمدی، یحیی، تهران، رشد. پورعباس، سیده نرگس و عیسی مراد رودبند، ابوالقاسم. (۲۰۱۹). «اثر بخشی آموزش روان درمانی جامع دینی بر تقویت ارتباط دانش آموزان با والدین در دوره دوم متوسطه». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰(۴۰)، ۷۱-۹۸. doi:

10.22054/qccpc.2019.35680.1959

حسینی، سید حسام و حسینی، سیده نسرین. (۱۴۰۱). «تبیین و نقد رویکرد لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان از منظر پرسشگری وجودی». نشریه پژوهش‌های فلسفی، ۱۶(۳۹)، ۷۸-۹۵.

- خسروپناه عبدالحسین. (۱۳۸۵). «فلسفه فلسفه اسلامی»، قیسات، ۳(۳۹)، ۱۷۳-۱۹۵.
- دینانی، غلامحسین ابراهیمی، خسروپناه، عبدالحسین و امامی، احمد. (۱۳۹۹). «اصطلاح شناسی مفهوم علم در فلسفه اسلامی»، فصلنامه معرفت فلسفی، ۱۷(۳)، ۳۵-۵۲.
- سالاری فر، محمد حسین و پور اعتماد، حمیدرضا. (۲۰۱۱). «باورها و حالت فراشناختی، بازدارنده یا تسهیل کننده خودتنظیمی تحصیلی». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲(۷) ۳۱-۴۸.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۵). «مقدمات راهنمایی و مشاوره (مفاهیم و کاربردها)»، تهران، رشد.
- شیلینگ، لوئیس. (۱۳۹۰). «نظریه‌های مشاوره (دیدگاه‌های مشاوره)»، آرین، خدیجه، تهران، اطلاعات.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). «تفسیر القرآن الکریم، خواجه‌ی، محمد، قم، بیدار.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). «شرح الهدایة الاثیریة، اثیرالدین ابهری، مفضل بن عمر، فولادکار، محمدمصطفی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۵). «مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین، ناجی اصفهانی، حامد، تهران، حکمت.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (بی تا). «المبدأ و المعاد، قم، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰). «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، سبزواری، هادی بن مهدی. آشتیانی، جلال‌الدین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۸). «الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، سبزواری، هادی بن مهدی، طباطبایی، محمدحسین، مظفر، محمدرضا، قم، مکتبه المصطفوی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «اصول فلسفه و روش رئالیسم، مطهری، مرتضی، تهران،

صدرا.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۶). *نهایه الحکمه*، قم، جماعه المدرسين فى الحوزه العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی.

طوسی، نصیر الدین محمد. (۱۴۱۳). *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه اسلامیة.

فارابی، محمد بن محمد. (۱۹۹۶). *السیاسة المدنیة*، علی بو ملحم، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

فیست، جس. (۱۳۹۴). *نظریه های شخصیت*، سید محمدی، یحی، تهران، روان.

کرپندورف، کلوس. (۲۰۰۴). *تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی*، نایبی، هوشنگ، تهران، نشر نی.

گلادینگ، ساموئل تی. (۲۰۱۵). *اصول و مبانی مشاوره*، گنجی، مهدی، تهران، نشر ساوالان.

گیسون، رابرت. (۲۰۰۷). *زمینه مشاوره و راهنمایی*، ثنائی، باقر، چاپ پنجم، تهران، رشد. مصباح، مجتبی. (۱۳۹۹). *فلسفه اخلاق*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

References

- Arbuckle, Dugald S. (1961). *Counseling: An Introduction*. Boston: Allyn & Bacon.
- Arbuckle, D. S. (1960). «COUNSELING: Philosophy or Science». *The Personnel and Guidance Journal*, 39(1), 11-14.
- Blocker, D. (1974). *Developmental Counseling*. New York: The Ronald press.
- Boshoff, A. (2020). «The philosophical bases of counselling psychology». *Counselling Psychology Review*, 35, 49-60.
- Gazda, G. M. (1986). «Counseling: Theoretical & philosophical issues». *Theoretical & Philosophical Psychology*, 6(2), 121-122.
- Gustad. (1975). «The Evaluation of interview in Vocational counseling». *Personnel and Guidance journal*, 4(36), 242-250.
- Hackney, H. (1973). *Counseling strategies and objectives*. New jersey: Prentice-Hall.
- Hansen, J. T. (2006). «Counseling Theories Within a Postmodernist

- Epistemology: New Roles for Theories in Counseling Practice». *Journal of Counseling & Development*, 84(3), 291-297.
- Kair, L. (2022). «An Application of The Two Routes in Counseling Philosophy». *Counseling and Family Therapy Scholarship Review*, 4(1), 5.
- Lobont, F. (2021). «On the professionalization of philosophical counselling in a world dominated by the pandemic crisis». *Interdisciplinary Research in Counseling, Ethics and Philosophy*, 1(1), 21-27.
- Nelson, j. (2006). *Theory and Practice of Counselling and Therapy*. Thousand oaks: SAGE.
- Patterson, C. H. (1977). *Theories of counseling and psychotherapy*. New York: Harper& Row publishers.
- pepinsky, H.B. (1954). *Counseling Theory and Practice*. New York: Ronald.
- Polit, Denise F & Beck, Cheryl Tatano. (2004). *Nursing Research: Principles and Methods*. Lippincott Williams & Wilkins.
- Robinson, F.P. (1950). *Principles and procedures in student counseling*. New York: Harper.
- Siregar, A. (2020). «ISLAMIC COUNSELING IN A PHILOSOPHY PERSPECTIVE». *International Journal of Islamic Education, Research and Multiculturalism (IJIEM)*, 2(2), 116-134.
- Shertzer, B. (1976). *Fundamentals of counseling*. Boston: Houghton.
- Stefflre, B. (1972). *Theories of counseling*. New York: MacGraw-Hill book.

استناد به این مقاله: همتیان، هادی، همتیان، مهدی، کریمیان، محسن. (۱۴۰۳). بررسی فلسفی مفاهیم بنیادین دانش مشاوره با تأکید بر نظرات صدرالمألهین، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۵(۵۷)، ۱۷۳-۲۰۶. DOI: 10.22054/QCCPC.2023.69565.2991



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.